

اشاره:

در راستای برگزاری سلسله نشستهای مشترک ادیان در دانشگاه مذاهب اسلامی در دومین نشست مشترک ادیان که با موضوع بررسی آیین زرتشت برگزار شد، دکتر کورش نیکنام، نماینده جامعه زرتشتیان کشور در مجلس شورای اسلامی به سئوالاتی در مورد نادرستی گزاره آتش پرستی و جایگاه و صورت نمادین آتش در دین زرتشت، رسوخ دوآلیم و مسئله خیر و شر در این آیین پاسخ گفته است. آنچه در ادامه می خوانید صورت پیراسته سخنرانی ایشان در این نشست است. لازم به توضیح است که این نشست با حضور حجت الاسلام والمسلمین فرهودی، کارشناس دین زرتشت از مرکز ادیان قم، دکتر صفی زاده، زبان شناس دین زرتشت، دکتر محسن الویری، معاون سابق آموزشی و پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی و استاد علی رافعی، مدیر گروه ادیان و مذاهب برگزار شد.

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

نخست از مسئولین محترم دانشگاه به ویژه از استاد رافعی و دیگر استادان ارجمندی که در خدمتشان هستیم، شما دانشجویان فرهیخته و آگاه که برای فراگیری معنویت در رشته های مختلف مذاهب دینی تحصیل می نمایید، سپاسگزاری می کنم. زرتشت، پیامبری از سرزمین بزرگ ایران آن زمان بود که مرزهای سیاسی آن زمان ایران، بسیار گسترده تر از ایران امروز بود. بعضی تولد این پیامبر را در «ری» می دانند و بعضی معتقدند که در کنار دریاچه چیچست (دریاچه ارومیه) که در اوستا آمده، بوده است و بعضی منطقه کردستان را محل تولد این پیامبر می دانند. به هر حال چون زمان زیادی از این جریان گذشته است، نظرهای متفاوتی در این مورد بیان گردیده است. تاریخ تولد این پیامبر را نیز براساس مدارک باستان شناسی و زمین شناسی، مردم شناسی و زبان شناسی، نزدیک به چهار هزار سال قبل می دانند و براساس کتاب آسمانی زرتشت، تولد وی در دوره ای بوده است که مردم دامپروری را آموخته بودند و در حال شهرنشینی و کوچ کردن بودند. به هر حال آنچه به نظر من در مورد ادیان می بایست مطرح گردد، این است که نباید به محل تولد و تاریخ تولد توجه نمود؛ بلکه باید به افکار، فلسفه و اندیشه توجه نمود که ادیان مختلف چگونه بودند.

بر اساس یک ضرب المثل آلمانی، پیامبران در زادگاه خویش غریباند، شاید برای پیامبر بزرگ اسلام هم صادق باشد که کشورهای عربی کمتر قدر این اندیشه

پیراسته ای از سخنرانی موبد نیکنام

در دومین نشست مشترک ادیان در دانشگاه مذاهب اسلامی

# روشنایی

## محل حضور خداوند است

تنظیم: رضا عبداللهی / دانشجوی رشته ادیان و مذاهب



و فلسفه را بدانند. به هر حال برای زرتشت ، این پیامبر ایرانی ، غربتش را حس می کنیم، به دلیل اینکه در ایران کمتر توجه کردند و از طرف دیگر به دلیل حملاتی که به این کشور انجام گرفته است ، هر بیگانه‌ای برای اینکه آیین این سرزمین را متهم نماید ، تهمت‌های ناروایی را به آیین این سرزمین وارد کردند. از جمله این تهمتها ، تهمت آتش پرستی ، نگرش دوآلیزم، یا داشتن دو خدا و دیگر هم ازدواج با محارم است. این سه تهمت را بر پیروان این آیین روا داشتند در صورتی که هر سه کذب ، دروغ ، تهمت و نارواست و شایسته است که شما بزرگوارانی که در راستای بررسی ادیان و فلسفه ادیان تحقیق و بررسی می‌نمایید ، حقیقت را بگویید و دینتان را به گذشتگان این سرزمین ادا نمایید.

در مورد تهمت اول یعنی آتش پرستی ، باید گفت که آتش پیش از زرتشت کشف شده بود و مردم این سرزمین، آیین مهر داشتند. مهر یعنی روشنایی که بعدها به پیمان مهربانی هم ترجمه شد. روشنایی، جایگاه ویژه ای بین ایرانیان اولیه داشت و به این دلیل مهر یا نور خورشید، بسیار ارزشمند گردید و آیین مهر به وجود آمد؛ آیین ستایش روشنایی. ایرانیان هیچ گاه با کمک دوستان خود و با استفاده از چوب و سنگ یا هر چیز دیگر بت نداشتند که آن را پرستش نمایند و عناصر مختلف طبیعت را ستایش می‌کردند و این یکی از شاهکارهای فرهنگ این سرزمین محسوب می‌گردد. دلیل اینکه خورشید را بیش از همه گرامی داشتند و آیین مهر به وجود آمد،

این بود که تنها کسی که پیمان شکن نبود و بر عهده و پیمان خویش وفادار بود و به موقع حضور پیدا می کرد ، خورشید بود و قرص خورشید خیلی برایشان ارزشمند گردید. از آن زمان، دایره خورشید نماد پیمان و دوستی و صلح مطرح گردید و برای اینکه این امر را به اثبات برسانند که آنان بر عهد و پیمان خویش وفادارند، شکل خورشید را با دست، روی لوح گلی یا زمین می کشیدند که در حال حاضر تبدیل به امضاء گردیده است و قرص خورشید به صورت حلقه هایی نیز مطرح شد که به دست عروس و داماد می دادند به نشان اینکه عهد و پیمان آنان نسبت به یکدیگر اثبات گردد.

آیین مهر پا برجا بود تا اینکه بر اثر داستانی که در شاهنامه فردوسی ذکر شده است، ایرانیان آتش را کشف کردند. البته با توجه به صاعقه ها و آتش سوزیهایی که در جنگل رخ می داد، آتش را می شناختند و براساس داستان شاهنامه فردوسی، ایرانیان متوجه شدند که بر اثر برخورد دو سنگ، جرقه ای ایجاد شد و خار و خاشاک کنارش آتش گرفت. این را جشن گرفتند و سعی کردند که این را پایدار نگه دارند. امروزه نیز ما در دهم بهمن، جشنی را به یاد نیاکانمان که این ابتکار را انجام دادند، برگزار می کنیم که جشن سده نامیده می‌شود. به هر حال آتش از آن زمان کشف شد و مردم متوجه شدند برای اینکه بتوانند این آتش را پایدار و روشن نگه دارند، باید به آن خوراک (هیزم) بدهند و خوراک دادن به آتش، تبدیل به کاری مقدس شد ، افرادی به نام آتروان

هر بیگانه‌ای برای اینکه آیین این سرزمین را متهم نماید ، تهمت‌های ناروایی را به آیین این سرزمین وارد کردند. از جمله این تهمتها ، تهمت آتش پرستی ، نگرش دوآلیزم، یا داشتن دو خدا و دیگر هم ازدواج با محارم است. این سه تهمت را بر پیروان این آیین روا داشتند در صورتی که هر سه کذب ، دروغ ، تهمت و نارواست

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز جامع علوم انسانی



است و به هیچ وجهی در کار خداوند بی نظمی نیست. در تداوم این نظم به دو گوهر همزاد، اما متضاد که هیچ کدام بد نیستند، معتقد است. دو گوهر همزاد، مثل: ذره های مثبت و منفی که در الکترون و پروتون است و ما نمی توانیم بگوییم الکترون (ذره منفی) یا پروتون (ذره مثبت) بد است، هر دو باید باشند. این دو گوهر همزاد، هر دو نیک اند، وقتی در ذهن انسان متبلور می شوند، دو حالت می یابند. شخص نیک اندیش؛ کسی که از خرد بهره می گیرد، اصل و اساس خردمندی را به این گوهر اضافه می نماید و در ذهن او «سپنته مینو» به وجود می آید. «سپنته» یعنی مقدس، سازنده. «مینو» یعنی منس.

سپنته مینو، یعنی منس سازنده که در ذهن انسان به وجود می آید و تمامی انسانهای اندیشمند و آگاه و پرتلاش و سازنده از آن سپنته مینو هستند.

حال، اگر اصل و اساس خردمندی را به این گوهر اضافه نکنیم، «انگره مینو» در ذهن انسان به وجود می آید. انگره مینو در فارسی به اهریمن تبدیل شد.

اهریمن یعنی بد اندیشی. خالق اهریمن، انسان بد اندیش است. یعنی انسان در هر لحظه می تواند با کنکاشی که در ذهن خودش انجام می دهد، یا

نیک اندیشی را انتخاب کند یا بد اندیشی را. این انسان اگر بد اندیشی را انتخاب نمود، انسان اهریمنی می

شود؛ چرا که فکر بدش موجب آسیب به دیگران می شود. بعدها دشمنان این فرهنگ و فلسفه

چنین وانمود کردند که زرتشتیان، دو خدا دارند: یک خدای نیکبها (اهورا) و یک خدای بدبها

(اهریمن) که در حال جنگ اند. این مطلب پایه و اساس درستی ندارد. خدای یکتا را نخستین بار

پیامبر این سرزمین شناخت و اهورا مزدا نامید. اهو یعنی

(آتش) تأمین هیزم را برعهده داشتند. مردم بعد از اینکه متوجه گردیدند که باد و باران، آتش را خاموش می کند، اتاقکهایی برایش ساختند و به آن سقف زدند و بدین ترتیب آتشگاهها به وجود آمدند که امروزه هم در ایران وجود دارد.

با توجه به اینکه آتش، نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می کرد، اهمیت ویژه ای بین مردم یافت و تبدیل به امر مقدسی شد.

بعدها که زرتشت به پیامبری رسید و مردم را به یکتا پرستی دعوت می کرد، می توانست دو نوع عمل کند: یا بگوید آتشکدهها را خراب کنید یا

اینکه آنها را حفظ کنید و از آنجا که لزوم آتش را برای زندگی مردم احساس نمود، بهترین شیوه را

اتخاذ نمود و گفت: ما به سوی این روشنایی که همانند روشنایی نور مهر است (قبل از زرتشت به سوی آن نماز می خواندند) نماز می خوانیم و

قبله ما روشنایی است. همان فرمایش خیلی زیبای قرآن مجید: «اللّٰهُ نُورِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ ...»

روشنایی محل حضور خداوند است. او هم گفت به سوی روشنایی نماز بخوانید که امروزه نیز ادامه دارد و اکنون به دلیل اینکه ما به سوی روشنایی آتش

همانند روشنایی خورشید یا هر روشنایی دیگری نماز می گذاریم و خداوند یکتا را ستایش می کنیم، از تهمت

آتش پرستی مصون نیستیم. مطلب بعدی، بحث دوآلیزم است. پیامبر این

سرزمین، معتقد است که سراسر این هستی را

هنجاری به نام «اشا» تشکیل می دهد؛ یعنی، هستی دارای نظم

خالق اهریمن، انسان بد اندیش است. یعنی انسان در هر لحظه می تواند با کنکاشی که در ذهن خودش انجام می دهد، یا نیک اندیشی را انتخاب کند یا بد اندیشی را. این انسان اگر بد اندیشی را انتخاب نمود، انسان اهریمنی می شود



هستی، اهورا یعنی هستی بخش، مزد یعنی بزرگ «ودا» از دانش و دانه گرفته شده است. اهورا مزدا یعنی «دانای بزرگ هستی بخش»، همان چیزی که فردوسی در شاهنامه اشاره می‌کند، خداوند جان (یعنی اهو) و خداوند خرد. این خداوند، یکتاست و چیزی نمی‌تواند در مقابل آن قرار گیرد. انگره مینو یا اهریمن در مقابل سپنته مینو است که در ذهن انسان وجود دارد بنابراین، این امر که می‌گویند زرتشتیها دو خداوند دارند، به طور کلی نادرست است.

سومین تهمتی که من بدان اشاره کردم، ازدواج با نزدیکان و محارم است. با مطالعه گات ۵۳ به این نتیجه خواهید رسید که خود پیامبر به دخترش «اوجیستا» می‌گوید: دخترم، جاهاسب وزیر گشتاسب انسانی فرهیخته، دانا و تحصیل کرده‌ای است که به خواستگاری تو آمده است. من ایشان را در دینداری و علم انسانی شایسته می‌بینم. تو با خردت مشورت کن، اگر دوست داری به او جواب مثبت بده. حالا این سؤال مطرح می‌گردد که اگر

ازدواج با محارم در فرهنگ یا دین این سرزمین مطرح بود، زرتشت، دخترش را به ازدواج یکی از نزدیکانش درمی‌آورد تا دیگران از او الگو بگیرند. در فرهنگ عامه این سرزمین نیز چنین چیزی بوده است. در تاریخ چند مورد اتفاق افتاده که در یونان، مصر و روم بوده است. در این کشور نیز یکی از پادشاهان با خواهرش ازدواج می‌نماید؛ چون در آن دوران وقتی دختران متولد می‌شدند، در بیرون از خانواده و در روستاها و دیگر جاها پرورش می‌یافتند. بعد از اینکه دختر بزرگ شد و به دربار بازگشت، برادر این دختر عاشقش شد و بعد متوجه شد که خواهرش است و موبدان آن زمان را دعوت کرد و گفت که عاشق خواهرش شده است و از آنها در مورد اینکه آیا حکمی هست که او بتواند با خواهرش ازدواج نماید یا خیر، سؤال نمود. موبدان بعد از چند روز گفتند که هیچ راهی نیست که کسی بتواند با خواهرش ازدواج نماید بنابراین، براساس این نظریه ازدواج با محارم در دین زرتشت به طور کلی مردود است.

انگره مینو یا  
اهریمن در مقابل  
سپنته مینو  
است که در ذهن  
انسان وجود دارد  
بنابراین، این  
امر که می‌گویند  
زرتشتیها دو  
خداوند دارند، به  
طور کلی نادرست  
است

